

ترانه در بیع عمر

نوروز زمان مبارک . همه دایم سال و شبها و یکم ج خوش بگذرد .

کودمی نه دایم که در آید ، نزدیک ملی از این سالای نو برای ما
 خراش که گمان تاریخ نیز سال نوی جوانه گو ، مهرت حرکت زمان
 بیشتر شده است و همه با ما باید شکسته لغا . دشت تار دزی بگردید
 ترانه عمر از لطف تو که در لطف مهرت تحمل کرد ، همه با لگزام
 پشمش را از زبان دل شکر ، گفته دل بر خفته نصیح نباشد همی است و
 ارزش صمیمت بشک از فصاحت بیشتر است .

دیک ان بیت ؟

دلم از گرمی آن بوسه سپید	ترانه جان بوسه گرم تو رسید
راستی ببل شیرین سخن	تو هماننده زبان وطن

سختانت همه در آستان دولت آنگه ز بهر ایران

من یکی عاشق دیرین تو ام نبد به طبع گهر حسن تو ام

در روزی تو معیار وفا هست بخشگر وزن رفعا

تو مرا جزانه ای ثابت ایان استاده سر عهد و پیمان

اری من اینم و این خوارم بود با نفس هست هدیه خوارم بود

دل بر از مهر و وفا یاران مرده و زنده برای انان

زالمحان است گفتی که باید از تنگ تسلیم گریختن، این

طوفان بی سسده است که فی نفس مهم داری است. لکن جوف دیگری

هم وجود دارد که از اجساد و عوارض این بی سر چشمه بگذرد، غمرازان

و نباید فراموش کرد که ما دوستان می و چشمه سارم که در گون نزدیکی ما

بلکه بگویم این پس از برادران و خواهران تویی است و باید در بهر دست

شتریک بگویم اینم، صد اگر آن صبا در شب عمر نش نه خفت رای

و خود پرستی است. من از کار آذربایجان شغفتم ام که بجان عزیزان مرگش را
است تر تحمل می‌کردم. رفیق ما دولتی محمد در مورد کار آذربایجان حرفی زد. است که
با هم سادگی نشیندنی است. گفته است آذربایجان تقالای تبریز را می‌کند که
گرچه بی دکانتان در گونی سیریزند و بوده پشت کوه عین علی سیریزند
دخودشان بر میگردد و پشت تخت دکانتان می‌نشیند، ما برای آذربایجان
هدن گریه کردیم.

باری سخن برآید و از محمول نامه عهدی یاد کرد. در این سطر
از روی تو، بلع و کج و کج می‌گویم.

است به معنی

